

## (( دوران زندگی حضرت علی (ع) ))

دوران زندگانی ۶۳ ساله حضرت علی (ع) را می توان به پنج بخش تقسیم کرد:

۱- از ولادت تا بعثت پیامبر اکرم (ص)

۲- از بعثت تا هجرت

۳- از هجرت تا رحلت پیامبر گرامی (ص)

۴- از رحلت نبی اکرم (ص) تا خلافت ظاهری

۵- از خلافت تا شهادت

از ولادت تا بعثت

حضرت علی (ع) در سال سی ام عام الفیل (ده سال قبل از بعثت) در خانه خدا چشم به جهان گشود.

پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) را برای تربیت از شش سالگی به منزل خود آورد و هیچ گاه آن حضرت را

از خود جدا نکرد. امام (ع) در توصیف این دوران می فرماید:

«... من در آغوش پر مهر او بزرگ شده ام. به هنگام کودکی، پیامبر مرا به دامان می گرفت، به سینه می

چسبانید و در بستر خویش جای می داد، بدنش را به بدنم می چسباند و من بوی خوش او را استشمام می

کردم، غذا را می جوید و در دهانم می گذاشت...»

در این دوره نقش امام (ع) در دو حادثه مهم می درخشد:

نخست اسلام آوردن امام به عنوان اولین مسلمان است که قرآن چنین پیشگامی را می ستاید. و پیامبر

اکرم (ص) نیز به چنین سبقتی تصریح می فرماید:

«نخستین کسی که (در روز رستاخیز) با من در کنار حوض کوثر ملاقات می کند، پیشقدم ترین شما در

اسلام، علی بن ابی طالب است.»

دیگری، خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر (ص) در «لیله المیت» است. امام با جانبازی خویش

، جان پیامبر مکرم (ص) را - که دلیران قریش تصمیم داشتند وی را در آن شب بکشند و لذا به خانه او

هجوم آورده بودند - حفظ کرد و خطر کرد و خطر ها و پیامدهای آن را بر خویش هموار ساخت.

از هجرت تا رحلت پیامبر (ص)

امین رسول الله (ص): رسول اکرم (ص) پس از تصمیم بر هجرت به مدینه، امین تر از علی (ع) برای

جانشینی خود در مکه نیافت، از این رو، حضرت را مأمور دو کار کرد:

امانت های مردم را - که نزد حضرت بود - به صاحبانش بازگرداند و قرضه های او را ادا کند و دخترش

زهرا (ع) و برخی دیگر از زنان را به مدینه آورد.

علی (ع) برای انجام سفارش های پیامبر (ص) سه روز در مکه ماند. سپس به اتفاق همراهان در قبا به

پیامبر (ص) ملحق شد. وقتی دیدگان رسول خدا (ص) به علی (ع) افتاد، دید پاهای آن حضرت در اثر

پیاده روی زیاد تاول زده و خون از آن می چکد، در حالی که اشک از دیدگانش می ریخت، علی (ع)

را در آغوش گرفت و برایش دعا کرد، سپس از آب دهان مبارک بر پاهای علی (ع) کشید و آثار

جراحت بر طرف شد.

است. وی بجز غزوه تبوک - که به امر پیامبر در مدینه ماند - در بقیه غزوات حضور فعال داشت و غالباً در اثر ایثار و دلاوری های آن حضرت، سپاه اسلام بر شرک غلبه می نمود و اگر جانبازی های این پیشتاز اسلام نبود، چه بسا مشرکان و کفار چراغ رسالت را به آسانی خاموش و پرچم حق را سرنگون می کردند. پیکار های بدر، احد، خندق، خیبر و ... یادآور رشادت های مخلصانه آن امام همام است.

جانشینی پیامبر (ص): پیامبر (ص) از آغاز دعوتش، ولایت را با توحید و نبوت بیان فرمود و از جانب خدا مأمور بود که ولایت علی (ع) را بر امور دین و دنیای مسلمانان و جانشینی وی را پس از خود، اعلام نماید. این رسالت بارها توسط آن عزیز اعلام شد که تفصیل آن در زندگی پیغمبر (ص) گذشت.

از رحلت پیامبر تا خلافت ظاهری

سقیفه و غصب خلافت: لحظاتی که علی (ع) مشغول غسل رسول خدا (ص) بود و مسلمانان در انتظار پایان مراسم غسل کفن بودند، خبر آوردند که جمعیتی از انصار در «سقیفه بنی ساعده» جمع شده و درباره انتخاب خلیفه بحث می کنند. عمر و ابوبکر با نگرانی همراه عیبده وارد سقیفه شدند. عمر خواست زمینه را برای خلافت ابوبکر آماده سازد ولی ابوبکر مانع شد و خود به سخن پرداخت و انصار را به بیعت با عمر و ابو عبیده فرا خواند اما عمر متقابلاً ابوبکر را بر خود ترجیح داد و او را شایسته تر دانست.

سرانجام پس از کش مکش های فراوان بین مهاجران و انصار، کفه ترازو به نفع ابوبکر سنگین و وی با پنج رأی به عنوان خلیفه برگزیده شد.

بیعت عمومی رهسپار مسجد شدند. عمر در بین راه در پیشاپیش جمعیت حرکت می کرد و به هر کسی می رسید، او را وادار به بیعت با ابوبکر می کرد.

علی (ع) از سر و صدای جمعیت از حادثه مطلع شد و با شنیدن استدلال مهاجران برای شایستگی ابوبکر به خلافت فرمود: اینها به درخت استناد کردند، ولی میوه و ثمره آن را نابود ساختند.

دومین عکس العمل امام (ع) زمانی بود که عده ای از افراد بیعت کننده با ابوبکر، دور حضرت و بنی هاشم را در مسجد گرفتند و آنان را تهدید کردند که اگر بیعت نکنید، با شمشیر درباره شما حکم می کنیم. حضرت در پاسخ فرمود:

«من برای این بیعت سزاوارترم. شما باید بامن بیعت کنید. شما به موجب قرابت با رسول خدا (ص)، خلافت را از انصار گرفتید... من نیز با شما چنین استدلال می کنم... من وصی و وزیر و حامل علم او هستم...»

سومین عکس العمل آن حضرت خطابه ای است که در برابر انصار و مهاجران ایراد فرمود. این خطبه آنچنان قوی و مستدل بود که جماعتی از انصار گفتند: ای ابوالحسن! اگر انصار این سخنان را قبل از بیعت با ابوبکر می شنیدند، حتی دو نفر درباره تو اختلاف نمی کردند (همه تو را به خلافت بر می گزیدند).

موقعیت حساس: موقعیتی که امام (ع) در آن قرار گرفته بود، بسیار حساس بود. از یک سو خلافت از مسیر خود بیرون رفته و از دیگر سوی اختلافات بین مسلمانان رایج شده بود و تنها دو راه برای امام وجود داشت: قیام و بازپس گیری حق خود با سکوت برای حفظ اسلام. و امام راه دوم را برگزید راهی که مورد رضایت الهی و تأمین کننده مصالح امت بود، چرا که با اتخاذ روش نخست اصل اسلام ضربه می

گذشته را یاد می آورد.

دو حادثه مهم دیگر در این دوران به وقوع پیوست: یکی غضب فدک به دستور ابوبکر و با تحریک عمر، و دیگری حادثه تلخ رحلت یگانه دختر پیامبر و همسر امام یعنی فاطمه زهرا (ع) در سوم جمادی الاخر سال یازدهم هجری.

مهم ترین فعالیت های امام در دوران ۲۵ سال سکوت: با قتل عثمان در اواخر سال ۳۵ هجری، چهارمین بخش از مراحل زندگی حضرت زندگی حضرت به پایان می رسد. امام (ع) در این دوره ۲۵ ساله در عین اینکه مخالف حکومت خلفا بود، از ارشاد آنان و همکاری در امور مهم دریغ نورزیدند. برخی از خدمات حضرت به جهان اسلام در این دوره عبارتند از:

گردآوری و تفسیر قرآن، پاسخگویی به شبهات علمای ادیان دیگر، بیان احکام رویدادهای نوظهور در اسلام، پاسخگویی و حل مشکلات سیاسی و علمی خلفاء تلاش های اقتصادی مثل حفر چاه و ایجاد نخلستان برای فقیران.

از خلافت تا شهادت

پذیرش حکومت: با قتل عثمان، مهاجران و انصار برای تعیین رهبر آینده اسلام به امیر مومنان روی آوردند. صحابه بزرگی مثل ابویوب، ابوالهثیم، طلحه و زبیر در پیشاپیش مردم بودند. در مقابل عدم پذیرش امام، آنان اصرار فراوان کردند. حضرت در این باره می فرماید:

طرف جامه ام در اثر ازدحام جمعیت پاره شد.»

سرانجام با اصرار فراوان مردم ، بیعت آن حضرت در روز جمعه، ۲۵ ذی الحجه سال ۳۵ هجری انجام گرفت .

نخستین اقدامات امام : امام (ع) پس از خاتمه مراسم بیعت ، اصول و برنامه های حکومت خود را که مبتنی بر روش رسول ... (ص) بود اعلام کرد و سه موضوع را در اولویت کاری قرار داد :

نصب کاگزاران صالح به جای عاملان عثمان .

رفع تبعیض و تضمین حقوق مساوی برای همه .

باز گرداندن اموال به غارت رفته و تقسیم عادلانه بیت المال .

مخالفان حکومت : حضرت علی (ع) در خطبه ای مخالفان حکومت خود را سه گروه دانسته اند :

اصحاب جمل ( ناکثین ) ، اصحاب صفین (قاسطین) و اصحاب نهروان (مارقین).

ناکثین : اینان با ویژگی های روحی پول پرستی ، آزمندی و طرفداری از تبعیض ، نخستین گروه مخالف امام بودند.

رهبران اینان طلحه و زبیر بودند که برای رسیدن به اهداف خود ، بیش از دیگر بیعت کنندگان ، با امام

بیعت کردند . اما چون سیاست مساوات در تقسیم بیت المال را از امام دیدند ، به بهانه انجام عمره و با

علیه امام متحد شدند و هسته مرکزی ناکثین را بنیان نهادند.

ناکثین با سه هزار نفر به بهانه خونخواهی عثمان و در حالی که عایشه را بر شتر سوار کرده بودند بصره را اشغال کرده و پنجاه هزار نفر از مردم بی گناه را با فجیع ترین وضع به قتل رساندند. این حادثه و قرائن دیگر مانند سخنان تحریک آمیز سران سپاه، تجهیز سپاه سی هزار نفری، دستگیری و شکنجه استاندار بصره و ... بیانگر عزم آنان در براندازی حکومت امام(ع) بود و لذا در جریان جنگ جمل به دستور حضرت به محور فرماندهی ناکثین - کجاوه عایشه - حمله شد و پس از انتقال عایشه به گوشه ای، شتر را کشته، بدنش را آتش زده خاکسترش را بر باد دادند تا گوساله سامری دیگری را از بین برده باشند. این جنگ در سال ۳۶ هجری به نفع امیر مؤمنان به پایان رسید.

قاسطین: اینان به رهبری معاویه به همراهی اهل شام و به بهانه خونخواهی عثمان علیه امام شوریدند. با قطعی شدن طغیان معاویه، امام به نود هزار نیرو که در قالب هفت لشکر سازماندهی شده بودند در پنجم شوال سال ۳۶ در صفین اردو زد. معاویه هم با ۸۵ هزار شامی با در دست داشتن پیراهن خون آلود عثمان، زودتر از امام خود را به صفین رساند.

جنگ پراکنده روزهای متمادی ادامه داشت و تلفات زیادی را از طرفین گرفت. معاویه که در بعد نظامی قادر به پیروزی نبود با حيله قرآن بر سر نيزه کردن و تزلزل در بين نيروهای سپاه امام توانست جنگ را با پیشنهاد حکمیت پایان ببرد. در مرحله تعیین حکم، با اصرار و تهدید هواداران او، امام ناگزیر شد تا علی رغم میل باطنی خویش - مبنی بر انتخاب مالک - ابوموسی را حکم خویش قرار دهد و او آخرین

پدید آمدن هفتاد بر خورد و کشته شدن یکصد و ده هزار نفر از طرفین در سال ۳۷ هجری پایان یافت.

مارقین: تعدادی از سپاهان امام که حضرت را مجبور به پذیرش حکمیت کرده بودند، پس از امضای قرار داد حکمیت با شعار «لا حکم الا الله»، بر امام به خاطر پذیرش حکمیت شورش کردند و خوارج یا مارقین نام گرفتند. سپاه ۶۸ هزار نفری امام در حروراء مقابل اینان صف کشیدند. امام با ارسال چندین نماینده سعی نمود مسأله از طریق مسالمت آمیز حل شود و حتی پرچم امان را به دست ابویوب داد تا هر کس از خوارج گرد آن بیاید یا به سوی کوفه بازگردد، دو امان باشد. در نتیجه هشت هزار نفر از خوارج جدا شدند و چهار هزار نفر باقیمانده به فرماندهی عبا... بن وهب تا پای جان با امام جنگیدند.

پس از حمله ابتدایی آنان به سپاه امام، سپاهیان اسلام یکباره هجوم آورده و در کمتر از دو ساعت همه آنان بجز ۹ نفر - به تعداد شهدای اسلام در این جنگ - به هلاکت رسیدند و این همان پیشگویی امام درباره فرجام کار خوارج بود.

شهادت: شهادت محمد بن ابی بکر و مالک اشتر، تهاجم گروه های غارت و ترور معاویه به قلمرو حکومتی امیر مؤمنان (ع) و قتل عام مردم این شهرها از حوادث بعدی این دوره بود. سرانجام سه تن از خوارج تصمیم به قتل امام، معاویه و عمرو عاص گرفتند و ابن ملجم مرادی با همکاری اشعث و تحریک زن پرکینه ای به نام قطام - که از خانواده خوارج بود - در

سپیده دم نوزدهم رمضان سال چهارم هجری به امیر مؤمنان در محراب عبادت ضربتی زد که منجر به شهادت آن حضرت در ۲۱ این ماه شد و این در حالی بود که ۶۳ سال از عمر شریفش می گذشت.